

به نام خداوند جان آفرین

# شناخت عروض و قافیه

نوشته ایرج شهرامی پور

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۴

سرشناسه : شهرامی پور، ایرج، ۱۳۵۱ -  
عنوان و نام پدید آور : شناخت عروض و قافیه / نوشته ایرج شهرامی پور.  
مشخصات نشر : مشهد: ارسطو، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری : ۱۰۴ ص. : مصور. ۴: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۴۰-۷۹-۲  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
موضوع : عروض فارسی  
موضوع : قافیه  
رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ش ۹ ش / PIR۳۵۵۸  
رده بندی دیویی : ۴۱/۸۶۰  
شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۵۱۹۸۸

نام کتاب : شناخت عروض و قافیه  
مؤلف : ایرج شهرامی پور  
ناشر : ارسطو ( چاپ و نشر ایران )  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر  
تیراژ : ۱۰۰۰  
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴  
چاپ : مهتاب  
قیمت : ۶۵۰۰ تومان  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۴۰-۷۹-۲  
تلفن های مرکز پخش : ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)

استفاده از مطالب با ذکر منبع مجاز است



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	مقدمه
۷	قسمت اول: قواعد قافیه در شعر فارسی
۹	شعر
۱۰	واج
۱۱	واج آرایی
۱۲	الگوهای هجایی در زبان فارسی
۱۴	قافیه در شعر فارسی
۱۶	قواعد قافیه
۱۶	قاعده ۱
۱۷	قاعده ۲
۱۸	قواعد قافیه (ب)
۲۱	روی چیست؟
۲۳	فرق های ملفوظ با های بیان حرکت
۲۵	جناس تام
۲۷	قافیه میانی

۲۷	..... قافیه درونی
۲۸	..... ذوقافیتین
۲۹	..... حاجب
۲۹	..... قافیه خطی
۳۰	..... ردّالقافیه
۳۱	..... تکرار واژه های غیر ساده قافیه
۳۲	..... قافیه شعرنو
۳۳	..... تفاوت قافیه ها در شعرتی و نو
۳۵	..... قسمت دوم: عروض
۳۷	..... حرف
۳۸	..... هجا
۳۹	..... نکات طلایی
۴۱	..... قواعد تعیین وزن
۴۳	..... تقطیع هجایی
۴۵	..... تقطیع به ارکان
۴۸	..... ارکان عروضی
۵۰	..... زمان استفاده از اختیارات شاعری
۵۱	..... اختیارات شاعری
۵۱	..... حذف همزه
۵۱	..... تغییر کمیت مصوّت ها
۵۲	..... بلند تلفّظ کردن مصوّت های کوتاه

۵۳	..... کوتاه تلفظ کردن مصوّت های بلند
۵۶	..... اختیارات وزنی
۵۶	..... بلند بودن هجای پایان مصراع
۵۸	..... استفاده فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اوّل
۵۹	..... ابدال
۶۰	..... قلب
۶۳	..... نام اوزان
۶۳	..... طبقه بندی اوزان
۶۴	..... تقطیع و نام گذاری اوزان
۶۸	..... اوزان دوری
۶۸	..... روش های تشخیص اوزان دوری
۷۲	..... وزن دویتی
۷۳	..... وزن رباعی
۷۶	..... فرق دویتی با رباعی
۷۷	..... اوزان پر کاربرد فارسی
۸۲	..... وزن مثنوی های معروف فارسی
۸۸	..... تقطیع چند بیت با تمام قواعد عروضی
۹۴	..... معرفی آثار دیگر نویسنده
۱۰۳	..... فهرست منابع و مآخذ

## مقدمه

عروض و قافیه یکی از علوم کاربردی ادبیات است که از دیرباز در میان شعرا و نویسندگان وجود داشته است. آشنایی با این علم باعث می شود تا سرایندگان، آثار بهتری به جامعه عرضه نمایند. این علم نیز همچون علوم دیگر که به مرور زمان دستخوش تغییر و دگرگونی شده اند، تغییراتی را به خود دیده است.

در این کتاب سعی کرده ام مطالب را با زبانی ساده بر اساس تغییرات به وجود آمده خدمت علاقه مندان ارائه نمایم. با توجه به این که مخاطب این مجموعه اکثراً دانش آموزان، معلمان و دانشجویان هستند اساس تالیف کتاب بر طبق طرح های ارائه شده در کتاب سال چهارم دبیرستان در رشته ادبیات و علوم انسانی است. در این راستا سعی کرده ام مطالب کتاب را که شامل قافیه و عروض است به شکلی ساده تر با تلفیقی از روش های رایج آموزشی و با استفاده از تجربیات شخصی خود در طی سالیان تدریس «عروض و قافیه» در قالب کتابی بنام «شناخت عروض و قافیه» جمع آوری کرده و به علاقه مندان تقدیم نمایم.

امید است که این کتاب مورد قبول علاقه مندان به شناخت عروض و قافیه قرار گیرد.

ایرج شهرامی پور

آذر ۱۳۹۴

قسمت اول

# قواعد قافیه در شعر فارسی





## شعر:

شعر، سخنی است، موزون، مقفاً و مخیّل که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر است. شعر از دیر باز در زندگی روزمره مردم جاری و ساری بوده است. یادگیری علم شناخت شعر و وزن و قافیه برای علاقه مندان، خصوصاً برای رشته های ادبیات و علوم انسانی لازم و ضروری است.

وزن و قافیه در نظم بخشیدن و موزون کردن شعر نقش مهمی را ایفا می کنند اما مهم ترین قسمت شعر تخیّل آن است. تخیّل در شعر عبارت است از آرایه پردازی و استفاده از آرایه هایی همچون: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و ... شعر عاری از تخیّل که فقط وزن و قافیه داشته باشد سخن موزون نامیده می شود.

به نام خداوند جان آفرین

حکیم سخن در زبان آفرین

سعدی

تأثیر گذاری شعر در عنصر تخیّل است. استفاده از احساسات و عواطف و آرایه های بجا و مناسب می تواند تأثیر شعر را چند برابر کند.

پیش دهند پسته ز تنگی زده لاف

ز انست که هر کس دهندش پاره کند

سنا

در شعر بالا شاعر با استفاده از آرایه های تشخیص و حسن تعلیل سخن را به بهترین صورت بیان کرده است.

«اگر از ما پرسند چرا پسته را هنگام خوردن می شکنید؟ معمولاً جواب خواهیم داد که: «چون با پوست خورده نمی شود باید آن را بشکنیم» اما شاعر با استفاده از آرایه های شاخص بالا مدعی است که روزی پسته ادعا کرده دهان من از دهان معشوق تنگ تر است به خاطر این جسارت به معشوق هر کس به پسته می رسد دهانش را می شکند.»

## واج

همانگونه که در شناخت زبان از کوچکترین واحد سازنده آن شروع می کنیم در شناخت وزن و حروف قافیه نیز باید از واج شروع کرد.

**واج:** کوچکترین واحد سازنده زبان است که خود معنا ندارد اما باعث تمایز معنایی میان کلمات می شود.

در هنگام واج آرایشی ما با صورت ملفوظ کلمات کار داریم و صورت مکتوب واژه ها مد نظر نیست.

مثال: خواهد (صورت مکتوب) خواهد (صورت ملفوظ)

خویش (صورت مکتوب) خویش (صورت ملفوظ)  
 زبان فارسی ۲۹ واج دارد از این تعداد ۶ تا مصوّت و ۲۳ تا صامت هستند.  
**مصوّت‌ها** (یا همان حرکات) نیز به دو دسته کوتاه (ـَـ) و بلند (ا-و-ی) تقسیم می‌شوند.

**صامت‌ها** همان حروف الفبای فارسی هستند که به علّت تلفّظ نزدیک تعدادی از حروف به همدیگر در مجموع به ۲۳ صامت تبدیل می‌شوند.  
 ع (=ع)، ب، پ، ت (=ط) ج، چ، خ، د، ر، ز (=ذ، ظ، ض) ژ، س (=ث، ص)، ش، غ (=ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ه (=ح)، ی  
 همانگونه که ملاحظه نمودید بعضی از حروف به خاطر تلفّظ نزدیک به هم یکی حساب می‌شوند.

**نکته:** حتماً باید یادمان باشد که ما در حال خواندن و یا آموزش زبان فارسی هستیم. در زبان عربی هر حرف جایگاه و مخرج خاصی برای تلفّظ دارد.

## واج آرای:

واج آرایی یعنی جدا کردن صامت‌ها و مصوّت‌های یک کلمه یا یک هجا. در ابتدا باید توجه داشت که در واج آرایی فقط صورت ملفوظ کلمات مد نظر است نه صورت مکتوب. یعنی همانگونه که تلفظ می‌کنیم به همان صورت نیز می‌نویسیم.

مانند: خوار (خار)      کلفت (کُلفت)

مدرسه (مَدْرِسِ) سحر (سَحَرِ)

**تبصره ۱:** در واج آرایبی تمام مصوّت های کوتاه را باید بنویسیم (یعنی کلمه‌ها یا هجاها را باید حرکت گذاری کنیم). مانند پدر (پَدْر) دست = دَسْت  
**تبصره ۲:** علامت های سکون (ـَ) و تشدید (ـّ) در واج آرایبی حساب نمی شوند.

چند نمونه واج آرایبی:

دست: دَسْت = /د/ـَ/س/ت/

خواندن: خاندَن = /خ/ا/ن/د/ـَ/ن/

عزت: عِزَّتْ = /ع/ـِ/ز/ز/ـَ/ت/

**نکته:** نوشتن کلمات به صورت ملفوظ «خط عروضی» نامیده می شود که در

بخش عروض توضیح بیشتری خواهیم داد.

## الگوهای هجایی در زبان فارسی

صامت + مصوّت کوتاه (تُ) تو /ت/ـُ/

صامت + مصوّت کوتاه + صامت (سَر) /س/ـَ/ر/

صامت + مصوّت بلند (پا) /پ/ا/

صامت + مصوّت کوتاه + صامت + صامت (سَرْد) /س/ـَ/ر/د/

صامت + مصوّت بلند + صامت (باد) /ب/ا/د/

صامت + مصوّت بلند + صامت + صامت (کارد) /ک/ا/ر/د/

بر اساس الگوی هجایی بالا به چند نکته در هنگام واج آرایی باید دقت کرد:

۱. تمام هجاهای زبان فارسی با صامت آغاز می شوند.
  ۲. دوّمین حرف هر هجا همیشه مصوّت (چه کوتاه چه بلند) است.
  ۳. بیشترین تعداد واج های سازنده یک هجا در زبان فارسی چهار واج است.
  ۴. هجاهایی که از چهار واج بیشتر باشند فارسی نیستند. مانند لوستر.
  ۵. هر جا فقط یک مصوّت می تواند داشته باشد.
- نکته:** کلماتی که در ظاهر با مصوّت آغاز می شوند قبل از مصوّت یک صامت (ء) وجود دارد که در شکل مکتوب ظاهر نمی شود. مانند:

از (=ء / َ / ز / )

اردک (=ء / ُ / ر / د / َ / ک / )

آب (=ء / ا / ب / )

ایران (=ء / ی / ر / ا / ن / )

## قافیه در شعر فارسی

**قافیه:** کلماتی هستند که در پایان مصراع ها یا ابیات قرار گرفته و یک یا چند حرف آخرشان مشترک است.

ای نفس خرم باد صبا

از بر یار آمدای مرحبا

سعدی

در بیت بالا «صبا» و «مرحبا» واژه های هم قافیه هستند و حروف آخرشان یکسان است.

بیتی که هر دو مصراع آن قافیه داشته باشد «مصرع<sup>۱</sup>» می گویند.

**مثال برای شعر مصرع :**

مادر این شهر غریبیم و در این ملک فقیر

به کمند تو گرفتار و به دام تو اسیر

سعدی

بیتی که یک مصرع آن قافیه داشته باشد «مقفا<sup>۲</sup>» می گویند

**مثال برای شعر مقفا :**

در طالع من نیست که نزدیک تو باشم

می گویمت از دور دعا گر برسانند

سعدی

۱. دکتر روح الله هادی، آرایه های ادبی سال سوّم دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۹۰

۲. همان منبع

## ردیف:

ردیف: کلماتی هستند کاملاً مثل هم که بعد از قافیه تکرار می شوند.

من اگر نظر حرام است بسی گناه دارم

چه کنم نمی توانم که نظر نگاه دارم

سعدی

واژه های «دارم» در بیت ، بعد از قافیه های (گناه و نگاه) قرار گرفته و کاملاً مثل هم هستند.

شعری که ردیف دارد «مُرَدَّف»<sup>۱</sup> نامیده می شود.

**نکته:** کلماتی ردیف قرار می گیرند که هم از نظر لفظ و هم از نظر معنا

یکی باشند. اگر از نظر لفظ یکسان و از نظر معنا متفاوت باشند «جناس تام»

نامیده می شوند.

خرامان بشد سوی آب روان

چنان چون شده بازجوید روان

فردوسی

«روان» در مصراع اوّل و دوّم اگر چه از نظر واج های سازنده یکسانند اما از

نظر معنا با هم فرق دارند. «روان» اوّل صفت آب است به معنای جاری و «روان»

دوّم به معنای «روح و جان» است.

**نکته:** وجود قافیه برای شعر مهم و ضروری است (خصوصاً شعر سنتی) ولی

۱. دکتر روح الله هادی آرایه های ادبی سال سوّم دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۹۰